

رد پای صهیونیسم در منابع روان‌شناسی؛ با تأکید بر کتاب روان‌شناسی رشد، نوشته لورا. ای. برک و نقد آن

ایمان فرج‌الله چعبی

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی
eman_chabi@yahoo.com

محمدحسین بادامچی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
bahman_saki@yahoo.com

چکیده

نهضت صهیونیسم از اواخر قرن ۱۹ به رهبری هرتزل در سال ۱۸۹۷ بنا نهاده شد و امروز همچون شبکه‌ای تار عنکبوتی، سعی در تسلط کامل بر جهان دارد، به طوری که بسیاری از اسلام‌شناسان دنیا را دانشمندان یهودی، با گرایش صهیونیستی تشکیل می‌دهند. آن‌ها در زمینه‌های هنر، ادبیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، صنایع اتمی، ژنتیک و ... تحقیقات گسترده‌ای انجام می‌دهند. در این مقاله، نفوذ و تأثیر این تفکر در کتاب‌های روان‌شناسی کشورمان بررسی و بر کتاب روان‌شناسی رشد لورا. ای. برک، تأکید شده است. این کتاب، یک منبع دانشگاهی است که به دلیل داشتن مزایای فراوان علمی و پژوهشی، نگاه دقیق به علم روان‌شناسی و اهداف آن در زندگی بشر، مورد توجه واقع شده است. با این حال، با اندکی توجه و دقت، رد پای صهیونیسم در این کتاب قابل مشاهده است. شواهد ارائه‌شده از کتاب برک نشان می‌دهد او سعی در ارائه چهره‌ای خاص از اسرائیل دارد. وی همچنین با ارائه تصویری ناخوشایند از مردم ایران و دیگر

کشورهای اسلامی و غیراسلامی از جمله جوامع مسیحی، سعی در متزلزل کردن اعتقاد به خداوند، در جهت اهداف دین‌ستیزانه دارد. بنابراین، استفاده از این کتاب به عنوان کتاب درسی توصیه نمی‌شود و می‌توان از آن به عنوان یک الگو برای طراحی پژوهش‌های طولی و عرضی، مطابق با ایدئولوژی، فرهنگ، اهداف و ارزش‌های جامعه اسلامی بهره‌گرفت و از نتایج به دست آمده از این تحقیقات، در طراحی کتب درسی دانشگاهی استفاده کرد.

کلیدواژگان: روان‌شناسی رشد، لورا. ای. برک، صهیونیسم

مقدمه

در ابتدا، اشاره به این نکته ضروری است که به نظر نویسندگان این مقاله، مبحث یهود از صهیونیست‌جداست و در واقع، این صهیونیست‌ها هستند که خود را فرقه جدا از یهود نمی‌دانند و عقاید نژادپرستانه خود را مخفی می‌کنند. مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که یهودیان افراطی از همان اوان قدرت‌گیری خود در صحنه مذهب یهود با حضرت عیسی (ع) و سپس پیامبر اسلام (ص) به مخالفت برخاستند و از هیچ‌گونه آزار و اذیت و خیانتی نسبت به این دو پیامبر عظیم‌الشان خودداری نکردند. در عصر حاضر نیز صهیونیسم، همچون شبکه‌ای تار عنکبوتی بر صحنه گیتی، تار فریب تنیده، سعی در تسلط کامل بر آدمیان دارد. طی دهه ۱۹۳۰ صهیونیست‌ها با بهره‌گیری فراوان از تهدید فاشیسم در اروپا دامنه تبلیغات خود را گسترش دادند و جالب اینکه برای تبلیغ علیه نازی‌ها به همان شیوه نازیسم متوسل شدند. در کتاب «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی» به طرز شگفت‌آوری شباهت این دو ایده مورد تشریح قرار گرفته است. این کتاب آثار هرتزل و هیتلر، «دولت یهود» و «نبرد من»، را ورق می‌زند و از «نژاد برتر»، «اسرائیل بزرگ»، «آلمان بزرگ»، «حق تاریخی» و «فضای کامل زیست» سخن می‌گوید. (گارودی، ۱۳۶۹: ۵) در تفسیر آیه ۷۳ سوره آل عمران آمده است: این افراد «به علت داشتن روحیه خودبرتربینی و تعصب نژادی خیال می‌کردند که بالاترین کتاب آسمانی و دین خدا را فقط آن‌ها دارند. بنابراین دانشمندان یهود به قوم خود می‌گفتند: باور نکنید به کسی

همانند شما کتاب آسمانی داده شده باشد، بلکه مقام نبوت مخصوص نژاد شماست و تصور نکنید که مسلمانان می‌توانند در پیشگاه پروردگارتان با شما بحث کنند و حجت آورند و لذا خداوند در رد این ادعای باطل می‌فرماید: ای پیامبر اسلام در جواب یهودیان بگو این موهبت‌های الهی همه در دست خداست و به هر کس بخواهد عطا می‌فرماید»^(۱). (محمودیان، ۱۳۸۹: ۵۹) آن‌ها از دیرباز اهداف خود را از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و زمان‌بر پیش می‌بردند. در صدر اسلام، «گروهی از یهود برای ایجاد شک و تردید در ایمان و اعتقاد مؤمنین به پیروان خود می‌گفتند: بروید به آیاتی که به مؤمنان نازل می‌شود در اول روز به ظاهر و تاکتیکی ایمان بیاورید و در پایان روز به کتاب و پیامبر آن‌ها کافر شوید و بگوئید کتاب آسمانی و پیامبر شما واقعی نیست. شاید با این کار مسلمانانی که ایمانشان ضعیف است از دین اسلام بازگردند و یا در ایمان آن‌ها شک و شبهه‌ای ایجاد شود». (همان) در بُعد علمی - تحقیقاتی نیز، به گفته استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، ۹۰ درصد از بزرگ‌ترین اسلام‌شناسان دنیا را دانشمندان یهودی تشکیل می‌دهند. (جندقی، ۱۳۷۹: ۲۴) آنان نه تنها در مورد اسلام‌شناسی فعالیت‌های بسیاری کرده‌اند، بلکه در زمینه هنر، ادبیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، صنایع اتمی، ژنتیک و سایر رشته‌های حساس و حیاتی علوم نیز دارای تحقیقات گسترده‌ای هستند و از رهگذر این تحقیقات، رؤیای سیادت و سروری بر جهان را در سر می‌پرورانند. (همان) در زمینه مطبوعات، هفتاد درصد رسانه‌های گروهی غرب در اختیار بانکداران صهیونیست است و هفت نفری که در رأس سه بنگاه عظیم خبری - تصویری آمریکا (C.B.S، A.B.C) و (N.B.C) قرار دارند و تمام اخبار روزانه آمریکا و جهان را به اطلاع مردم می‌رسانند، همگی صهیونیست هستند. ۳۳ نفر از کسانی که رسانه‌های جهان را در انحصار دارند، از سرشناس‌ترین صهیونیست‌های جهان هستند. (همان) به گفته آن‌ها، «مطبوعات نخواهند توانست بدون اطلاع ما کمترین خبری در اختیار مردم بگذارند». (هرتزل، ۱۳۸۷: ۸۵) یهودیان فقط ۱.۵ درصد جمعیت فعلی آمریکا را تشکیل می‌دهند، در حالی که ۴۹٪ کل سرمایه‌های شرکت‌های بزرگ آمریکایی را در اختیار دارند. آنان بیش از هر گروه

دیگری در آمریکا دارای سازمان‌دهی و تشکیلات هستند، به نحوی که از طریق پشتیبانی مالی کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا، نفوذ گسترده‌ای در سیاست دارند. در سال ۱۹۴۸ رؤسای سیاسی آمریکا به این نتیجه رسیدند که استراتژی صهیونیست‌ها این است که آمریکا را در رشته عملیاتی که همواره گسترده‌تر و ژرف‌تر می‌شود، درگیر کنند تا به تمام اهدافشان دست یابند. این سند اهداف صهیونیست‌ها را چنین برمی‌شمارد: برقراری حاکمیت یهودیان بر بخشی از فلسطین، جلب موافقت قدرت‌های بزرگ با مهاجرت نامحدود یهودیان به اسرائیل، گسترش حاکمیت یهودیان بر سراسر فلسطین، گسترش حاکمیت یهودیان بر اردن و بخش‌هایی از لبنان و سوریه، برقراری سرکردگی نظامی و اقتصادی یهودیان بر سراسر خاورمیانه. در این سند همچنین اضافه شده که تمام مراحل این برنامه برای رهبران متعصب یهود به یک اندازه مقدس است. رهبران آژانس یهود که اکنون مهم‌ترین گروه یهودی است، به‌طور خصوصی نزد مقامات آمریکا به وجود چنین برنامه‌ای اعتراف کرده‌اند. (گرین، ۱۳۸۶: ۲۱) روان‌شناسی از جمله علمی است که به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد مقاصد صهیونیست استفاده می‌شود. به نظر نویسندگان این مقاله، خیلی از روان‌شناسان شاید دل خوشی از صهیونیست نداشته باشند، اما مجبورند به خاطر منافعشان محافظه‌کارانه عمل کنند. فروید در نامه‌ای به مترجم کتاب‌هایش در اورشلیم می‌نویسد: «صهیونیسم نیرومندترین همدلی را در من ایجاد کرده است؛ همدلی‌ای که همچنان مرا دلبسته‌اش می‌سازد» (هلر، ۱۳۸۹: ۲۵۹) با این حال، وی مدت‌ها بعد در مورد صهیونیسم اظهار نگرانی می‌کند و می‌گوید: «اصلاً باور ندارم که سرزمین فلسطین به دولتی تبدیل شود و مسیحیان یا جهان اسلام حاضر شود اماکن مقدس خود را تقدیم یهودیان کند. برای من تأسیس میهنی یهودی در سرزمینی جدید و بلامعارض بیشتر قابل درک به نظر می‌رسد». (همان) فروید خطاب به انیشتین در مورد صهیونیسم می‌نویسد که اظهارات او در مورد این مسئله محافظه‌کارانه است. وی از اینکه تندروی غیرواقع‌بینانه همکیشان یهودی‌اش موجب سوءظن در اعراب می‌شود، افسوس می‌خورد و می‌گوید

به هیچ وجه قادر نیستم نسبت به تدین گمراهی که از قطعه‌ای از دیوار هیروُد^۱، مذهب‌ی ملی می‌سازد و به خاطر آن با احساسات بومیان محلی ستیزه‌جویی می‌کند، احساس همدلی کنم. (همان: ۲۶۰) نفوذ و تأثیر این قوم در منابع روان‌شناسی دانشگاه‌های کشورمان نیز کاملاً محسوس است. استاد علامه طباطبایی عقیده دارد فریفته‌شدن به آداب و رسوم استعمارگران باعث می‌شود مسلمانان ایمان و عقیده خود را از دست بدهند. استعمار با ترفند و نقشه‌های خود در راه نابود ساختن دین و یا تضعیف و از کار انداختن آن کوشش به عمل می‌آورد. (نوری همدانی، ۱۳۸۹: ۲۱۴-۲۱۳) ما در این مقاله با تأکید بر کتاب «روان‌شناسی رشد»، نوشته لورا. ای. برک و نقد و بررسی آن، رد پای صهیونیسم را در منابع روان‌شناسی کشورمان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

علل جذابیت کتاب روان‌شناسی رشد لورا. ای. برک

بررسی دقیق این کتاب نشان داد نویسنده به مسائل روزمره زندگی بشر از ریزترین تا مأنوس‌ترین آن‌ها و از آغاز تا پایان حیات دنیوی انسان (لقاح تا مرگ)، توجه کامل داشته است و توصیه‌های مراقبتی قابل قبول در جهت ارتقای سلامت روان فرد و جامعه ارائه کرده است. وی با به‌کارگیری و استفاده از آخرین پژوهش‌های طولی و عرضی سعی در تأیید یا عدم تأیید نظریه‌های معروف رشد کرده است. بررسی نظریه‌های روان‌شناسی و نتایج پژوهش‌ها، در متن حوادث مهم زندگی به‌کار گرفته شده است. به‌کارگیری نمونه‌های واقعی از زندگی افراد، از تجربه و پختگی نویسنده حکایت دارد. وی، در واقع، علم روان‌شناسی نوین را با تجربه‌های زندگی امروزی ادغام کرده و این روند در مسیر کمال رشد یک انسان گام به گام به‌کار گرفته شده است، به‌طوری‌که خواننده احساس می‌کند نویسنده در تمام مراحل زندگی او را همراهی می‌کند. بیان شیوا و رسای کتاب، آن را برای همه افراد قابل استفاده کرده است. همه این عوامل باعث جذابیت آن برای محققان و علاقه‌مندان علم روان‌شناسی و دیگر اقشار جامعه شده است. اما با نگاهی

1. Herod

دقیق‌تر به مطالبی که در نگاه نخست جزئی یا تصادفی به نظر می‌رسند، حکایتی تلخ را از یک مهندسی حساب شده و برنامه‌ریزی شده در جهت اهداف صهیونیسم جهانی برملا می‌سازد. یافته‌های این پژوهش در ذیل به‌طور خلاصه آورده می‌شوند.

ارائه چهره‌ای مظلوم از یهود

ارائه چهره‌ای مظلوم از قوم یهود، سیاستی است که صهیونیست‌ها برای توجیه اشغالگری خود در اکثر عرصه‌های فرهنگی، هنری و علمی به‌کار گرفته‌اند. کتاب‌های روان‌شناسی نیز از این مسئله مستثنا نیستند. حتی در کتابی چون «روان‌شناسی عمومی» هیلگارد که یکی از مهم‌ترین منابع درسی دانشگاهی به‌شمار می‌رود، چنین جملاتی به‌کرات دیده شده است: «وقتی هلندی‌ها در جنگ جهانی دوم به خانواده‌های یهودی پناه می‌دادند، در واقع مردمانی به‌خاطر کسانی که به‌کلی با آن‌ها غریبه بودند، جان خود را به خطر می‌انداختند». (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۲) این جمله نشان‌دهنده این نکته است که صهیونیسم با تصور مالکیت بر همه ابعاد دین یهود و یهودیان، قصد دارد حمایت همه‌جانبه جهان را به‌سمت خود معطوف سازد. گاهی هم برای توضیح روشی علمی، قضاوت مردم در مورد موضوعی چون ازدواج یهودیان با غیریهود که هیچ ارتباطی با موضوع مورد بحث ندارد، در قالب یک مثال منطقی به‌چالش کشانده می‌شود و جالب‌تر اینکه مؤلف ایرانی عین همان مثال را در کتاب خود می‌آورد و می‌نویسد: «وقتی سکه‌ای به هوا پرت می‌شود و به زمین می‌افتد، نتیجه آن نمی‌تواند هر دو روی سکه با هم باشد. برخی از مردم متعصب بر این عقیده‌اند که یهودیان از آن دسته مردمی هستند که با غیریهود ازدواج نمی‌کنند، ولی در مواردی مجبور به ازدواج با غیریهود هستند». (دلاور، ۱۳۸۰: ۳۳) در حالی که در یک اثر تألیفی دست‌نویس‌نده برای آوردن مثال‌های متنوع و متعدد باز است و می‌تواند مثال‌های دیگری آورده و مسیر منابع ترجمه‌ای را طی نکند.

در کتاب لورا. ای. برک، نویسنده از همان ابتدا و در مقدمه، مواضع خود را روشن می‌کند. او با طرح داستانی واقعی از زندگی مادر خویش (سوفی)، سعی در بیان این

مطلب دارد که تعصبات نژادپرستانه علیه قوم یهود، چگونه باعث شدند مادرش در زندگی آسیب ببیند و تأخیری در اهداف و آرزوهایش ایجاد شود. او در قسمتی از مقدمه کتاب می‌نویسد: «وضعیت یهودی‌ها در اروپا به سرعت بدتر شد. نازی‌ها خانه آن‌ها را غارت کردند و محل تجارت پدر وی را مصادره کردند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ تماس سوفی با همه قطع شد و فقط با خاله‌ها، عموها، عموزاده‌ها و دوستان کودکی خود تماس داشت. بعدها فهمید بسیاری از آن‌ها به اسارت گرفته شده و به اردوگاه‌های مرگ در آشویتس - بیرکنائو^۱ منتقل شده بودند. در سال ۱۹۳۹، زمانی که قوانین ضدیهود و ظلم و ستم شدت یافتند، خانواده سوفی به آمریکا مهاجرت کرد.» (برک، ۱۳۸۶: ۸)

وی در پاراگراف بعدی در همین صفحه می‌نویسد: «پدر سوفی به خاطر فشار آواره شدن خانواده و از دست دادن خانه و شغلش بعد از چند ماه بستری، در اثر بیماری قلبی درگذشت». (همان) لورا ای. برک، این داستان را در زمانی بیان می‌کند که روزانه کودکان زیادی در فلسطین و نوار غزه شاهد آوارگی‌ها و مصائب فراوان و از دست دادن عزیزانشان هستند. جوانانی چون سوفی با آرزوهایی بزرگ که در نیازهای اولیه خود چون نیاز به ایمنی، مسیری طولانی را در رسیدن به خودشکوفایی پیش روی خود می‌بینند. نویسنده کتاب نه تنها کودکان سرزمین‌های اشغالی را نمی‌بیند، بلکه هنگام بحث درباره تأثیر روش‌های فرزندپروری بر هیجان‌های کودک نوباوه، مثالی از اقامتگاه‌های اسرائیلی می‌زند و می‌گوید: در کیبوتس‌های^۲ اسرائیل (اقامتگاه‌های مشترک کشاورزی) حملات مکرر فلسطینی‌ها باعث شده است که نوباوگان از غریبه‌ها بترسند. در پایان سال اول، زمانی که نوباوگان برای پاسخ‌دهی به دنبال نشانه‌هایی در دیگران هستند، بچه‌های کیبوتس اضطراب غریبه بسیار بیشتری از همسالان شهروند خود نشان می‌دهند. (همان: ۲۶۱ به نقل از سارنی، مام و کمپوس، ۱۹۹۸) این نگرانی برای کودکان یهودی تنها به ای. برک محدود نمی‌شود و تقریباً در اکثر کتب روان‌شناسی کم‌ویش قابل رؤیت است. به طور مثال، توجه به بیماری‌ای مانند تی. ساکس که بیماری بسیار نادری است و فقط

1. Auschwitz- Birkenau

2. Kibbutzim

در کودکان یهودی که خود اقلیتی جهانی هستند دیده می‌شود، با تمام ابعاد بارها و بارها در کتاب‌های رشد، از جمله این کتاب، مورد بررسی قرار گرفته است. این، نمونه‌ای از نگرانی‌های اختصاصی است؛ در صورتی که این بیماری یک بیماری فراگیر و مربوط به همه مردم جهان نیست و به این همه توجه نیازی ندارد. حداقل می‌توان گفت در کشوری مانند ایران که اثری از این بیماری دیده نمی‌شود، طرح کردن و تأکید بر این موضوع در کتاب‌های آموزشی و از آن مهم‌تر در کنکورها و آزمون‌ها چه ضرورتی دارد؟

استفاده از اصل همجواری، تکرار و تثبیت در جهت پیشبرد اهدافی خاص

در کتاب روان‌شناسی رشد لورا. ای برک، با اتخاذ چند ترفند، روالی در پیش گرفته شده که در آن علاوه بر استفاده مکرر از کلمه اسرائیل در جای‌جای این کتاب دوجلدی، (تکرار و تثبیت) با القای مثبت‌اندیشی در مورد یهودیان و تضعیف ملل غیریهود، به‌صورتی کاملاً نامحسوس در خواننده جهت‌گیری و سوگیری به نفع صهیونیست شکل بگیرد. برای این کار، در تحقیقات فرهنگی و اجتماعی که پژوهش با نتایج منفی مواجه است یا اینکه موضوع آن پژوهش، منفی است، نمونه کار پژوهشی را از بین ملل غیریهود انتخاب می‌کند. مثلاً زمانی که در مورد تفاوت در رابطه والدین با اولاد مؤنث خود بحث می‌کند، با هدف قرار دادن ارزش‌های فرهنگ شرقی، والدین آسیایی را مثال می‌زند و می‌گوید: «والدین با فرزندان خود درباره گذشته به‌صورت مشروح‌تر صحبت می‌کنند. ارزش‌های فرهنگی جمع‌گرایانه باعث می‌شود که والدین آسیایی فرزندان دختر خود را از صحبت کردن درباره خودشان بر حذر دارند». (همان: ۲۳۴) وی همچنین از اصل مجاورت بهره کافی را می‌برد، به‌طوری‌که بارها کلمه مرگ را در مجاورت کلماتی چون فلسطین و مسلمان به‌کار می‌گیرد. (برک، ۱۳۸۵: ۳۹۴ و ۳۹۸)

در حالت عکس آن، یعنی در مباحث مثبت روان‌شناسی یا مباحثی که القائات مثبتی در ذهن ایجاد می‌کنند، نمونه کار پژوهشی را از بین ملت‌یهود یا حامیان آن‌ها (اسرائیل، استرالیا، آمریکا) انتخاب می‌کند. «افرادی که ساکن کیبوتس بوده‌اند، در نوجوانی و اوائل

بزرگ‌سالی بیشتر از آمریکایی‌ها به مراحل ۴ و ۵ کُبرگ می‌رسند». (همان: ۷۵) و درجایی دیگر می‌نویسد: «یافته‌های به‌دست آمده از تحقیقی که روی بزرگ‌سالان اسرائیلی انجام شد، نشان دادند که این شیوه‌های فناپذیری نمادی ترس از مرگ را مخصوصاً در بزرگ‌سالان دلبسته ایمن کاهش دادند. به‌نظر می‌رسد روابط میان فردی خشنودکننده و صمیمی به افراد کمک می‌کند، احساس فناپذیری نمادی را پرورش دهند و اضطراب مرگ را تعالی بخشند». (همان: ۳۹۹) یا در جای دیگری می‌نویسد: «در فرهنگ‌هایی که افراد جوان در سنین اولیه در نهادهای جامعه خود مشارکت می‌کنند، رشد اخلاق، پیشرفته است. برای مثال در کیوتس که مناطق مسکونی کشاورزی کوچک ولی از لحاظ تکنولوژی پیشرفته در اسرائیل هستند، کودکان در اواسط کودکی تحت آموزش اداره کردن جامعه خود قرار می‌گیرند. این کودکان هنگام بحث کردن درباره تعارض‌های اخلاقی در مورد قوانین و مقررات اجتماعی بیشتر از کودکان اسرائیلی [که] در شهر بزرگ شده‌اند یا کودکان آمریکایی اطلاعات دارند». (برک، ۱۳۸۶: ۷۵) همچنین در مورد استفاده از اصل مجاورت در این کتاب، به‌عنوان نمونه، می‌نویسد: «پرستاری با عاطفه پدرها، مانند مادرها، دلبستگی ایمن را پیش‌بینی می‌کند. هر چه آن‌ها وقت بیشتری را با بچه‌ها سپری کنند، این تأثیر نیرومندتر می‌شود، اما با ادامه نوباوگی مادرها و پدرها در چندین فرهنگ از جمله استرالیا، هند، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، و ایالات متحده به شیوه‌های متفاوتی با بچه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند». (برک، ۱۳۸۶: ۲۸۳) یا می‌گوید: «پژوهشگران در بررسی‌های انجام شده در استرالیا، اسرائیل و ایالت متحده از افراد خواستند روابط اولیه خود با والدین (تاریخچه دلبستگی، نگرش‌های خود نسبت به روابط صمیمی و الگوی فعال درونی) و تجربیات عملی خود را با دل‌باختگان خود توصیف کنند. در تأیید نظریه بالینی خاطرات بزرگ‌سالان در مورد حالت‌های دلبستگی کودکی و تعبیر این خاطرات پیش‌بینی خوبی برای الگوهای فعال درونی فعلی و تجربیات رابطه‌ای آن‌ها بود». (برک، ۱۳۸۵: ۱۵۹) به‌عبارتی، هر جا صحبت از ایده‌آل باشد، هنرمندان کلمات اسرائیل و آمریکا را جای می‌دهد تا از اصل همجواری در القای ذهنیت مثبت به‌نفع این کشورهای حامی،

استفاده کند. نویسنده، کلمه اسرائیل را در کنار همه مثال‌های مربوط به ایمنی می‌آورد تا نهایت استفاده را از بار مثبت آن ببرد و این چیزی جز ذهنیت‌سازی آن هم با مهارت‌های یک روان‌شناس در کتاب روان‌شناسی رشد نیست.

ایجاد کلیشه‌های شناختی خاص برای اقوام مسلمان و مسیحی

لورا. ای. برک، با ایجاد کلیشه‌های شناختی خاص برای اقوام مسلمان و مسیحی، به تبیین‌های سوگیرانه در مورد ادیان مختلف می‌پردازد. او در کتاب روان‌شناسی رشد در توضیح تفکر خودمحور، جاندارپنداری و تفکر سحرآمیز می‌گوید: «اینکه کودکان با چه سرعتی عقاید خیالی و سحرآمیز را رها می‌کنند، به مذهب و فرهنگ آن‌ها بستگی دارد. برای مثال، کودکان یهودی بیشتر از همسالان مسیحی خود به بابائوئل و دندان جادویی بی‌اعتقادند، چون به آن‌ها یاد داده‌اند که بابائوئل واقعی نیست، آن‌ها این نگرش را به سایر مظاهر افسانه‌ای تعمیم می‌دهند». (برک، ۱۳۸۶: ۳۲۳) او وقتی می‌خواهد واقعیات مربوط به مرگ را که جزء انکارناپذیر زندگی است مطرح کند، ترجیح می‌دهد بار منفی این بحث را نصیب مسلمانان جهان کند؛ بنابراین می‌نویسد: «در مسلمانان ترس از فاسد شدن (بعد از مرگ) کمتر دیده می‌شود» (برک، ۱۳۸۵: ۳۹۸) و تنها اینجاست که نامی از فلسطین آورده و می‌گوید: «کودکانی که در اردوگاه‌های فلسطینی بزرگ شده‌اند و عزیمت پدرانشان به مناطق نظامی پر تنش و نگرانی والدینشان درباره امنیت را تجربه کرده‌اند، در ۵-۶ سالگی درک دقیقی از مرگ دارند». (برک، ۱۳۸۵: ۳۹۴) شاید در نگاه نخست، مطرح کردن چنین پژوهشی بی‌طرفی نویسنده را القا کند، اما قضاوتی منصفانه‌تر این پرسش را مطرح می‌کند که چرا از پژوهش‌های فلسطینی در مباحث دیگر استفاده نشده است؟ نویسنده کتاب در ادامه مبحث مرگ، بار دیگر به مسلمانان اشاره کرده و می‌گوید: «تأکید بر نتایج و تعصب دینی بیشتر گروه‌های دروزی و مسلمان می‌تواند زیربنای این یافته‌ها باشد. آموزش‌های مذهبی بر آگاهی کودکان از تداوم مرگ تأثیر بسیار نیرومندی دارد». (همان: ۳۹۴) شکی نیست که بهترین پاسخ‌ها به مقوله مرگ و رفع اضطراب ناشی

از آن، توسط اسلام ارائه شده است و تحقیق پیش گفته نیز بر این مطلب صحه گذاشته است، اما با اینکه دین مبین اسلام در بسیاری از مباحث مورد نظر علم روان‌شناسی، همچون حمایت‌های اجتماعی، نوع‌دوستی، سطوح اخلاقی، مباحث تربیتی و ... برنامه و یا راه‌حل‌های عملی و جامعی دارد، در پژوهش‌های ارائه شده در کتاب رشد لورا. ای. برگ، سهم جوامع اسلامی تنها منحصر و مختص به مبحث مرگ بوده است.

تغییر مفهوم ایمان و تبدیل حرکت مسلمانان به حرکتی غیر ایمان دینی

در کتاب روان‌شناسی رشد لورا. ای. برگ، از ملیت‌ها و قومیت‌های فراوانی سخن به میان می‌آید. نویسنده از جنوبی‌ترین نقطه آمریکا تا دورترین نقطه آسیا مثال می‌آورد، اما وقتی در مورد ایمان سخن می‌گوید مسلمانان را فراموش می‌کند و مثال را از بین بودایی‌ها انتخاب می‌کند. (همان: ۴۰۴) آیا آمار بودائیان جهان قابل مقایسه با آمار مسلمانان جهان است؟ در قسمتی از کتاب با اشاره به تأثیر مثبت رابطه معنوی مذهبی و ایمان قوی بر خوش‌بینی اقدامات سلامتی و حمایت اجتماعی، آن را پیش‌بین قدرتمندی برای عملکرد جسمانی بهتر توصیف کرده و می‌گوید: راهبردهای کنار آمدن مذهبی با مشکلات، مانند دعا کردن، درخواست استقامت و کمک از خداوند در مواقع دشوار مؤثر است. (همان: ۳۴۸) در ادامه، بدون اشاره به مسجد می‌گوید: زنان بیشتر از مردان عضو کلیسا و کنیسه می‌شوند. (همان) عدم اشاره به مسجد و نادیده گرفتن یک میلیارد مسلمانی که روزی پنج نوبت به دعا و راز و نیاز با خداوند می‌پردازند، نمی‌تواند بدون غرض خاص و اهداف از پیش تعیین شده باشد. جالب اینجاست که این کتاب در کشوری مثل ایران که صهیونیسم‌ستیز است و اسرائیل را به رسمیت نشناخته ترجمه می‌شود و بدون هیچ حذفیاتی، جزو کتب درسی دانشگاهی و مرجع مهم مقطع ارشد و دکترا و یکی از مراجع دوره کارشناسی در همه گروه‌های روان‌شناسی قرار می‌گیرد و حتی یک پاورقی کوچک در ایراد به این مسئله از سوی مترجم یا مسئولان چاپ این کتاب برای دانشجویان جوان قرار داده نمی‌شود. به عبارتی، ما ذهن‌های جوانانمان را که به لحاظ موقعیت‌های سنی و

رشدی آماده پذیرش و القاپذیری است، به راحتی در اختیار مهندسان فرهنگی صهیونیستم قرار می‌دهیم. این در حالی است که چهارده قرن از نزول آیات شریفه ۱۱۹ و ۱۲۰ سوره آل عمران می‌گذرد و ما باید اخطار آن‌ها را جدی بگیریم^(۲).

ارائه تصویری ناخوشایند از ایران

در تمام کتاب دو جلدی روان‌شناسی رشد لورا. ای. برک، تنها یک بار کلمه ایران به کار برده شده، آن هم در این پاراگراف: «وین دنیس (۱۹۶۰) کودکانی را در پرورشگاه‌های ایران مشاهده کرد که از محیط‌های وسوسه‌انگیزی که کودکان را به فراگیری مهارت‌های حرکتی ترغیب می‌کنند، محروم شده بودند. این بچه‌های ایرانی، روزهای خود را در تخت به صورت خوابیده به پشت سپری می‌کردند بدون اینکه اسباب بازی‌هایی برای بازی کردن داشته باشند. در نتیجه، اغلب آن‌ها تا بعد از دو سالگی، خودشان نمی‌توانستند حرکت کنند. وقتی که آن‌ها بالاخره حرکت کردند، تجربه مداوم خوابیدن به پشت باعث شد به جای اینکه چهار دست و پا سینه‌خیز بروند در وضع نشسته حرکت کنند. چون بچه‌هایی که نشسته حرکت می‌کنند با پاهایشان به وسایل خانه برخورد می‌کنند، نه با دست‌هایشان، بعید است که هنگام آمادگی برای راه رفتن، خودشان را برای ایستادن بالا بکشند در نتیجه راه رفتن به تأخیر می‌افتد». (برک، ۱۳۸۶: ۱۹۹) در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که به راستی چقدر خوش‌بینی لازم است تا بتوان باور کرد اشاره به چنین پژوهشی در این کتاب کاملاً اتفاقی بوده است و هدف از طرح آن مخدوش کردن چهره ایران اسلامی، با اصالت فرهنگی غنی آن، در نزد جهانیان نیست؟ به راستی دانشجویان و آینده‌سازان مملکت ما با خواندن این پاراگراف چه احساسی در مورد کشور و هویت خود پیدا خواهند کرد؟

عادی‌سازی، تأیید و دفاع از همجنس‌گرایی

از جمله مشکلات استفاده از منابع روان‌شناسی غربی، به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی

در این ممالک است. شاید شروط تفاوت جنسیت برای زوجیت در گذشته نه چندان دور بسیار بدیهی می‌نمود و طرح آن در جامعه هیچ وجاهتی نداشت، اما کمتر کسی باور می‌کرد که مردم به اصطلاح متمدن مغرب‌زمین در هزاره سوم میلاد مسیح به روش قوم لوط و اصحاب رس روی آورند و حتی در مجالس قانون‌گذاری، رابطه مرد با مرد و زن با زن را بپذیرند و خانواده‌هایی از دو همجنس تشکیل شود و دادِ سخن از دادخواهی حقوق همجنس‌بازان در تشکیل خانواده سر داده شود. دین اسلام هرگز با پدیده زشت همجنس‌گرایی موافق نبوده و همواره آن را محکوم و مذموم دانسته است، (بروجردی، ۱۳۸۹: ۸) اما متأسفانه متون روان‌شناسی کشور ما ظاهراً با این پدیده به‌عنوان یک مطلب علمی کنار آمده‌اند. مطلب ذیل عیناً از یکی از منابع دانشگاهی کشورمان نقل می‌شود: «قبل از ۱۹۷۳ در DSM2 همجنس‌خواهی به‌عنوان یک اختلال جنسی در زمره طبقه‌بندی‌ها ذکر شده بود. ولی به‌دلیل اعتراض همجنس‌خواهان و بسیاری از درمانگران، سرانجام این اختلال در طبقه‌بندی DSM3 به‌عنوان یک اختلال فی‌نفسه جنسی حذف شد. با این وجود، به‌دلیل تجربه بسیار پریشان‌کننده افراد همجنس‌خواه نسبت به جهت‌گیری جنسی خویش، این اختلال تا مدت‌ها به‌عنوان همجنس‌گرایی ناشی از ضعف ایگو نامبرده شد. در DSM4 این عنوان نیز حذف شده و از همجنس‌خواهی نامی به میان نیامده است. بیشتر متخصصان بالینی، هم‌اکنون همجنس‌خواهی را به‌عنوان نوعی رفتار جنسی پذیرفته‌اند و نه به‌عنوان یک اختلال». (آزاد، ۱۳۸۵: ۱۷۲) در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که گرایش جنسی، یعنی جذب دو جنس مخالف مانند دو قطب آهن‌ربا با هدف تولید فرزند و تداوم نسل، اما گرایش به همجنس با چه هدفی جز لذت‌جویی بی‌هدف صورت می‌گیرد؟ آیا غذا خوردن هدفی جز تأمین انرژی و بقای حیات و رشد دارد؟ هدف از همجنس‌گرایی چیست؟ آیا این اختلال نیست که کاری بدون هدف آگاهانه انجام شود؟ در کتاب رشد لورا ای. برک، صراحتاً از این پدیده جانبداری می‌شود و سعی در فرهنگ‌سازی به نفع آن دارد. به‌طور مثال در بحث والدین همجنس‌گرای زن و مرد آمده است: «چند میلیون همجنس‌گرای مرد و زن آمریکایی، پدر و مادر

هستند که اغلب آن‌ها از طریق ازدواج‌های دگرجنس‌گرای قبلی و تعداد کمی از طریق فرزندخواندگی یا تکنولوژی‌های تولید مثل صاحب فرزند شده‌اند. در گذشته قوانینی که اعلام می‌کردند همجنس‌گرایان نمی‌توانند والدین با کفایتی باشند، باعث شدند آن‌هایی که از همسر دگرجنس‌گرای خود طلاق گرفته‌اند، سرپرستی فرزندان‌شان را از دست بدهند. این روزها چندین ایالت اعلام کرده‌اند که جهت‌گیری جنسی به سرپرستی ربطی ندارد و در سایر ایالت‌ها، تعصب شدید علیه والدین همجنس‌گرا هنوز شایع است. خانواده‌هایی که یک والد همجنس‌گرا یا زوج همجنس‌گرای مرد یا زن آن‌ها را سرپرستی می‌کنند، خیلی شبیه خانواده‌های دگرجنس‌گرایان هستند. والدین همجنس‌گرای مرد و زن نسبت به نقش پدر و مادری خود متعهد و اثربخش هستند و گاهی حتی بیشتر هم احساس مسئولیت می‌کنند. در حقیقت، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پدرهای همجنس‌گرا در تعیین محدودیت‌ها، بیشتر از پدران دگرجنس‌گرا با ثبات هستند و به نیازهای فرزندان‌شان پاسخ می‌دهند». وی در ادامه می‌نویسد: «در خانواده‌های همجنس‌گرای زن، کیفیت تعامل مادر-کودک به اندازه خانواده‌های دگرجنس‌گرا مثبت است و فرزندان مادران همجنس‌گرا، خواه مادرشان آن‌ها را به دنیا آورده باشد یا به فرزندپذیری پذیرفته شده باشند، یا مادرشان از طریق تلقیح‌اهدایی آن‌ها را باردار شده و به دنیا آورده باشد، مانند سایر کودکان سازگارند و اکثریت آن‌ها دگرجنس‌گرا هستند». سپس به همجنس‌گرایان امید می‌دهد و می‌گوید: «با گذشت زمان، تعامل والدین همجنس‌گرا با خانواده‌های اصلی‌شان بهتر می‌شود و آن‌ها به بزرگ کردن بچه‌ها کمک می‌کنند. مشکلات اجتماعی ناشی از حمایت نکردن جامعه، با سایر خانواده‌های دیگر فرق دارند. نگرانی عمده والدین همجنس‌گرای مرد و زن این است که فرزندان‌شان به خاطر جهت‌گیری جنسی آن‌ها بی‌آبرو شوند». (برک، ۱۳۸۵: ۱۹۱-۱۹۰) به نظر می‌رسد تنها اشکال این رابطه‌ها فقط نگاه منفی فرهنگ و اجتماع است و نویسنده عقیده دارد اگر این نگاه اصلاح شود، همجنس‌گرایی و زندگی با یک همجنس در فرزندپروری هیچ اختلالی ایجاد نمی‌کند. متأسفانه این دقیقاً چیزی است که دانشجو با خواندن کتاب دریافت خواهد کرد.

متزلزل کردن اعتقاد به خدا و عدم توجه به اصل عدل الهی

«عده‌ای معتقدند که خداوند وجود دارد و به تکامل داروینی اعتقاد ندارند و عده‌ای بالعکس. عده‌ای از دانشمندان عضو مجامع سنتی دینی هستند و دیدگاهشان از محافظه‌کار تا لیبرال است. گروهی نیز در مراسم دینی شرکت نمی‌کنند، ولی دارای معنویت فردی عمیقی هستند. عده‌ای از دانشمندان از زیبایی و عظمت جهان در حیرت هستند. بعضی در فهم‌پذیری جهان یا در کشفیات علمی خاص، معانی و مفاهیم دینی را مشاهده می‌کنند.» (ریچاردسون، ۱۳۸۴: مقدمه) تصور رایج این است که علم و دین با یکدیگر تعارض دارند. این سیاست در کتب روان‌شناسی نیز دنبال می‌شود و هرگز از خداوند یا یک وجود آگاه و با شعور به‌عنوان خالق یا علت اصلی نامی برده نمی‌شود. اما گاهی ناگزیر و ناچار از انکار خالق آگاه و حکیم از کلمه طبیعت به‌جای خدا استفاده می‌کنند، (برک، ۱۳۸۵: ۲۹۶) یا انسان را خالق خویش معرفی کرده، چنین می‌نویسند: «دکتر در حالی که مخلوق کوچک جیغ جیغویی را ننگه داشته است و تازه والدین او با شگفتی به آفرینش اعجاب‌آور خویش خیره شده‌اند....». (برک، ۱۳۸۶: ۷۲) وی فرد محترض را در مرحله خشم به‌هنگام مواجه با مرگ، چنین توصیف می‌کند: «فرد از اینکه مجبور است بمیرد بدون اینکه فرصت داشته باشد تا همه کارهایی را که دوست دارد انجام دهد، عصبانی می‌شود. اعضای خانواده و متخصصان تندرستی اغلب آماج خشم و غضب و تنفر بیمار می‌شوند»، (همان: ۴۰۱) سپس توصیه می‌کند: «باید رفتار بیمار را تحمل کرد و او را به باد ناسزا نگرفت و علت این رفتار او را بی‌عدالتی مرگ دانست». (همان) خواندن متون غربی به‌دلیل عدم توجه به اصل عدل الهی، سردرگمی غربی را به دانشجو منتقل می‌کند. اینکه دانشجوی جوان یا نوجوان، مرگ را یک بی‌عدالتی بیابد، موافق با تربیت دینی کشور ما نیست. اعتقاد به وجود خدایی عادل، آگاه و حکیم از مزایای تربیتی کشور ماست که آرامش و اطمینان را به همراه خود می‌آورد و نباید اجازه داد متون و منابع روان‌شناسی این آرامش را هدف قرار دهد. متأسفانه در حال حاضر نظارت درستی روی این موضوعات نمی‌شود و مترجمان ما گاهی پا را از وادی امانتداری فراتر برده، اقدام به خودزنی می‌کنند. مترجم یک کتاب روان‌شناسی با اشاره به

گفتار وودی آلن^(۳) در نقد مدت زمان طولانی روانکاوی که برگرفته از مضمونی فرویدی در یکی از فیلم‌های او به نام انی‌هال^۱ است، یک جمله را این‌گونه ترجمه می‌کند: «فقط حدود پانزده سال است. ولی یک سال دیگر صبر خواهم کرد، اگر نتیجه‌ای نداد به زیارت ائمه اطهار خواهم رفت»^۲. (هلر، ۱۳۸۹: ۲۹) وی کلمه «لورد» را «ائمه اطهار» ترجمه کرده است! اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا یک مترجم ایرانی باید به این آسانی کلمه ائمه اطهار را در چنین جمله طنزآمیزی خرج کند؟

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این مقاله، نفوذ و تأثیر تفکر صهیونیسم در کتاب‌های روان‌شناسی کشورمان با تأکید بر کتاب روان‌شناسی رشد لورا. ای. برک بررسی شد. این کتاب، یک منبع دانشگاهی است که به دلیل داشتن مزایای فراوان علمی و پژوهشی، نگاه دقیق به علم روان‌شناسی و اهداف آن در زندگی بشر، مورد توجه واقع شده است. با این حال، با اندکی توجه و دقت، رد پای صهیونیسم در این کتاب قابل مشاهده است. شواهد ارائه شده در متن مقاله از کتاب برک نشان می‌دهد برک که یک روان‌شناس یهودی با گرایش‌های صهیونیستی است، با ارائه چهره‌ای مظلوم از یهود و استفاده از اصل همجواری، تکرار و تثبیت در جهت پیشبرد اهدافی خاص، سعی در ارائه چهره‌ای خاص از اسرائیل دارد. وی با ایجاد کلیشه‌های شناختی خاص برای اقوام مسلمان و مسیحی، تغییر مفهوم ایمان و تبدیل حرکت مسلمانان به حرکتی غیر ایمان دینی، ارائه تصویری ناخوشایند از ایران، عادی‌سازی، تأیید و دفاع از همجنس‌گرایی، متزلزل کردن اعتقاد به خدا و عدم توجه به اصل عدل الهی، اهداف دین‌ستیزانه‌ای را دنبال می‌کند. بنابراین، استفاده از این کتاب به‌عنوان کتاب درسی توصیه نمی‌شود و بهتر است تنها از آن به‌عنوان یک الگو برای طراحی پژوهش‌های طولی و عرضی در کتب درسی - دانشگاهی، البته مطابق با ایدئولوژی، فرهنگ، اهداف

1. Annie Hall

2. I'm giving it one more year and then I'm trying Lourdes

و ارزش‌های جامعه ایرانی - اسلامی استفاده کرد. کمبود پژوهش‌های طولی و عرضی در کشور ما باعث شده به جای اتکا بر هنجارهای جامعه خود، به پژوهش‌های دیگران تکیه کرده و از آن‌ها استفاده کنیم؛ در حالی که مطالعات طولی در کتاب رشد لورا ای برک، روی کودکان آمریکایی با ملیت‌های مختلف قفقازی تبار، آفریقایی تبار و ... انجام شده و می‌توان همان پژوهش‌های طولی را روی کودکان کشورهای اسلامی در آسیا و آفریقا انجام داد و شاخص‌های رشد آن‌ها را در کشورهای اسلامی اعتباریابی کرد. روان‌شناسی، دانش زندگی است و هنجارهای یک جامعه را مطالعه می‌کند. لذا قدم اول در اصلاح آموزش علم روان‌شناسی کشور اسلامی ما، افزایش حساب شده و سازماندهی شده پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی در این زمینه است. سپس، در قدم بعدی، لازم است مؤلفان حوزه روان‌شناسی با جمع‌آوری پژوهش‌های انجام شده در استان‌های مختلف کشور، کشورهای اسلامی و خاورمیانه یا کشورهای که به لحاظ هنجار با ما مشترکاتی دارند، نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ دنیا را با تکیه به منابع اسلامی به خصوص منابع شیعی در کتاب‌هایی چون بحارالانوار بررسی کنند. قدم سوم، جمع‌آوری پژوهش‌ها و نظریه‌های تأیید شده در کتاب‌های روان‌شناسی اسلامی و ایرانی و انتخاب بهترین و علمی‌ترین آن‌ها به عنوان متون دانشگاهی است. آنگاه این کتاب‌ها به تدریج اصلاح و کتب جدیدتر جای‌گزین آن‌ها می‌شود. همچنین، از این مسئله نباید غافل شد که نظریه‌پردازان غربی از منابع اسلامی الهام می‌گیرند و از آن‌ها علیه خودمان بهره می‌برند. متأسفانه امروزه ما از داشتن کتاب‌های جامع و پرمحتوا با استانداردهای پژوهشی محروم هستیم. از آنجا که رعایت امانتداری، نظارت بیشتر بر کار ترجمه را با مسایلی مواجه می‌سازد، می‌توان با استفاده از نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ دنیا، کتاب‌هایی موافق با اهداف آموزشی و منطبق بر موازین اسلامی و اجتماعی خود تألیف و این کاستی را جبران کرد؛ چرا که در تألیف، دست نویسنده بازتر از ترجمه است و برای انتخاب و ارائه نمونه‌های پژوهشی، آزادی عمل بیشتری دارد. به این ترتیب می‌توان کتب و منابع درسی روان‌شناسی دانشگاهی کشورمان را از سیاست‌های صهیونیستی پاکیزه کرد.

پی‌نوشت

۱. تفسیر آیه ۷۲ سوره آل عمران
۲. «هَأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ إِنَّا اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ». (آل عمران: ۱۱۹) شما کسانی که آن‌ها را دوست می‌دارید؛ اما آن‌ها شما را دوست ندارند. در حالی که شما به همه‌ی کتاب‌های آسمانی ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.»
- «إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ». (۱۲۰) اگر نیکی به شما برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند؛ و اگر حادثه‌ی ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زبانی نمی‌رساند؛ خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.
۳. طنزپرداز سینما

کتابنامه

- قرآن کریم
- ۱. اتکینسون، ریتا ال [و دیگران]، ۱۳۸۵، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران، تهران، رشد، چاپ سوم.
- ۲. آزاد، حسین، ۱۳۸۵، مباحث جدید در آسیب‌شناسی روانی، تهران، بعثت.
- ۳. برک، لورا. ای، ۱۳۸۶، روان‌شناسی رشد؛ (از لقاح تا کودکی)، جلد اول، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، چاپ نهم.
- ۴. —، ۱۳۸۵، روان‌شناسی رشد؛ (از نوجوانی تا پایان زندگی)، جلد دوم، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، چاپ هفتم.
- ۵. بروجردی، آیت الله سید حسین، ۱۳۸۹، منابع فقه شیعه؛ نکاح (۱)، جلد ۲۵، ترجمه احمد اسماعیل تبار و دیگران.
- ۶. جندقی، بهروز، ۱۳۷۹، صهیونیسم و رؤیای حکومت بر جهان، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۳۰.
- ۷. دلاور، علی، ۱۳۸۰، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی، تهران، رشد.
- ۸. ریچاردسون، مارک، ۱۳۸۴، نقش ایمان در علم؛ عالمان در جستجوی حقیقت، ترجمه بتول نجفی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۹. کلباسی اصفهانی، فهیمه، ۱۳۸۸، نقد و بررسی اسرائیلیات در قصص الانبیاء درباره چهار پیامبر حضرت شعیب، موسی، یوشیع و یونس (علیهم السلام)، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۱۰. گارودی، روزه، ۱۳۶۹، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، جلد اول، ترجمه نسرین حکمی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. گرین، استیفن، ۱۳۶۸، جانبداری؛ روابط سری آمریکا و اسرائیل، ترجمه سهیل روحانی، تهران، بنیاد.
۱۲. محمودیان، مهدی، ۱۳۸۹، آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن، قم، معاونت تربیت و آموزش عقیدتی و سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۳. نوری همدانی، آیت الله، ۱۳۸۹، اسلام مجسم؛ علمای بزرگ اسلام، ج اول، قم، پارسیان.
۱۴. هرتزل، تئودور، ۱۳۸۷، پروتکل های رهبران یهود برای تسخیر جهان، ترجمه بهرام محسن پور، تهران، کتاب صبح، چاپ دوم.
۱۵. هلر، شارون، ۱۳۸۹، دانشنامه فروید، ترجمه مجتبی پُردل، مشهد، نشر ترانه.

